



مقابله دوسویه امام حسن عسکری(ع) با غلات و زنداقه هم‌عصر ایشان

در دوره امام حسن عسکری(ع)، گروه‌هایی مثل زنداقه، واقفیه، غلات و ... فعالیت می‌کردند که برخی با نقد مستقیم امام(ع) و برخی در آثار شاگردان ایشان، مورد طرد قرار می‌گرفتند که این امر نشان‌دهنده نفوذ علمی امام یازدهم شیعیان است.

در دوره امام حسن عسکری(ع)، گروه‌هایی مثل زنداقه، واقفیه، غلات و ... فعالیت می‌کردند که برخی با نقد مستقیم امام(ع) و برخی در آثار شاگردان ایشان، مورد طرد قرار می‌گرفتند که این امر نشان‌دهنده نفوذ علمی امام یازدهم شیعیان است.

حجت‌الاسلام فرهاد عباسی، رئیس مرکز تخصصی علوم حدیث حوزه علمیه قم در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، در آستانه روز شهادت امام حسن عسکری(ع) ضمن اشاره به شرایط عصر امام(ع)، گفت: نوع عملکرد و فعالیت‌های این امام بزرگوار به‌عنوان خلیفه‌الله و کسی که در آن شرایط بسیار دشوار و پیچیده که دشمن تمام تدابیر را اندیشیده بود تا جامعه شیعی، تفکر شیعه و رهبر شیعی را در بن بست قرار دهد، و اینکه امام با چه تدابیری توانست این بن‌بست را فتح کند، راه را باز کند و آنچنان تأثیرگذار باشد که هدف خود را در مسیر دلخواه به‌صورت کامل طی کند، اهمیت ویژه‌ای دارد.

وی افزود: امام حسن عسکری(ع) در دوره‌ای از حکومت بنی عباس و هم‌عصر با برخی از خلفای بنی عباس بودند که این دوره از حکومت بنی عباس از یک طرف دوره ثبات حاکمیت این خاندان بود و از طرف دیگر دوره اختلافات داخلی بین خود بنی عباس بود. از جهتی حکومت دارای اختلافات داخلی است ولی به‌عنوان حاکمیت در مرزهای اسلامی ثبات پیدا کرده است و از طرف دیگر نیز در جامعه اسلامی تفکر و حاکمیت اهل سنت منتشر شده، کشورگشایی‌های زیادی شده و از طرف دیگر فرقه‌ها و نحله‌های فکری فقهی و اعتقادی چه بین شیعه و چه بین اهل سنت به شکل بسیار زیادی جای خودش را باز کرده است.

شکل دادن نظام اعتقادی گسترده در مرزهای اسلامی توسط امام عسکری(ع)

عباسی عنوان کرد: در کنار همه این مشکلات، امام با این مسئله مواجه بودند که حکومت به جایگاه امام شیعه پی برده بود. در این زمان، حکومت فهمیده است که امام به‌عنوان علم و محور برای شیعیان است و آن فرد را نیز شناخته است که امام حسن عسکری(ع) است. حکومت در جریان این قرار گرفته است که جامعه شیعه دارای یک نظام کاملاً متشکل و گسترده در مرزهای اسلامی شده است؛ لذا این را برای خودش مهم می‌داند که تمام این جریان را به شکل کاملاً تحلیل‌کننده‌ای تحت اشراف خودش قرار دهد. با توجه به همه این مسائل، پیچیدگی رفتار حکومت با امام(ع) و از طرف دیگر آن مبانی و تأثیرگذاری رفتار امام بسیار خیره‌کننده است.

اجماع دشمنان بر لزوم نظارت شدید بر امام(ع)

وی در توضیح گفته‌های خود عنوان کرد: حکومت بنی عباس در این دوره از طرفی دستخوش اختلافات داخلی است. ترک‌ها از برخی مناطق دیگر در حکومت دست‌اندازی کرده‌اند و به‌عنوان وزیر حتی در انتخاب خلیفه تأثیرگذار هستند. دو خلیفه هم‌عصر امام، المعتز و المهتدی توسط ترک‌ها هم منصوب شدند و هم توسط آن‌ها کشته شدند. خلیفه بعدی المعتمد را اینها انتخاب کردند و تصمیم‌گیرنده و تصمیم‌ساز در حکومت بودند. علی‌رغم این، همه افراد حکومتی یک نکته را با هم اجماع دارند؛ آن هم لزوم نظارت شدید بر امام است و اینکه نباید بگذارند شیعیان به امام دسترسی داشته باشند با این نگاه که محوریت جامعه شیعی بر حول امام است و اگر شیعیان به امام دسترسی نداشته باشند دچار تشتت و پراکندگی می‌شوند و برای حکومت خطرآفرین خواهد بود.

رئیس مرکز تخصصی علوم حدیث حوزه علمیه قم گفت: امام تمام سال‌های مبارک عمرشان را در یک منطقه و شهر تحت حفاظت که در آن شهر در، دیوار، همسایه، خانه و زندگی و نه فقط والیان و فرمانداران، همه به‌گونه‌ای سربازان حکومت هستند و مراقب آن حضرت هستند، گذراندند. چون شهر سامرا در آن موقع یک لشکرگاه بود و امام را در واقع درون یک لشکرگاه بردند. البته امام مدام در زندان نبودند و برای رفت‌وآمد آزاد بودند؛ اما حکومت چون احساس خطر زیادی از امام می‌کرد، در این منطقه محافظت شده امام را کاملاً تحت نظر داشتند؛ لذا دسترسی شیعیان به امام بسیار سخت بود. شیعیان برای اینکه خدمت امام برسند گاهی اوقات در طول مسیر امام قرار می‌گرفتند. گفته بودند امام هر هفته دوشنبه و پنجشنبه باید خودش را به دارالعماره معرفی کند. شیعیان در طول راه به امید اینکه امام را ببینند و زیارت کنند، حضور پیدا می‌کردند یا اینکه به‌عنوان کسبه‌ای در سر راه امام می‌نشستند و در حد بسیار مختصری می‌توانستند امام را ملاقات کنند.

سازمان وکالت امام(ع)

عباسی با اشاره به مراودات قوی امام با وجود شرایط سخت حاکم بر دوران آن حضرت، اظهار کرد: با این شرایط دشوار که امام نه فقط در زندان بلکه در مراودات عمومی داشتند، امام توانست یک ارتباط بسیار قوی را با شیعیان برقرار کند که هم از جهت علمی و هم از جهت مالی و هم از جهت سیاسی بتواند پشتیبان جامعه شیعه باشد. در همین دوره می‌بینیم امام سازمان وکالت را که عده‌ای از شاگردان امام بودند در کل منطقه اسلامی نه فقط در منطقه عراق و یا در منطقه عربستان و مناطق همجوار، بلکه در دورترین مناطق، حتی دورترین مناطق خراسان که فتح شده بود، راه‌اندازی کرده بودند و وکلا و نماینده‌های امام حضور داشته و با امام مکاتبات پشت سر هم در سطوح و لایه‌های مختلف داشته‌اند که می‌توانند نظرات اعتقادی امام را، مسئله وجوهات و مسائل فکری جامعه مسلمین را با نظر امام هدایت کنند.

وی عنوان کرد: سازمان وکالت امام به شکلی آنچنان قوی طراحی شده بود که به نظر می‌رسد علی‌رغم همه فشارهایی که حکومت بر امام داشتند در این دوره شیعه گسترده‌تری و استحکام بسیار خوبی پیدا کرده و همین باعث ترس دشمن از امام شد، به‌گونه‌ای که سه خلیفه هم‌عصر امام همه‌شان تصمیم به قتل امام گرفتند. خلیفه اول، المعتز قبل از اینکه تصمیم خود را بخواهد محقق کند کشته شد. خلیفه المهدی به محض اینکه این تصمیم را گرفت در همان ایام کشته شد. المعتمد توانست تصمیم خودش را عملیاتی کند و امام را به شهادت برساند. تمام این فشارها هم در کنار این بود که این‌ها مجبور بودند تظاهر به رفتار احترام‌آمیز با امام کنند. امام با جامعه دشمنان و مخالفانش آنچنان برخورد کرده بود که آن شهری که از نظر اعتقادی مخالف او بودند همه به او احترام می‌گذاشتند به‌طوری که بعد از شهادت امام کل شهر یکپارچه شیون و ناله بوده و حتی بعد از اینکه امام در بستر بیماری حاصل از مسمویت قبل از شهادت قرار گرفتند، خلیفه مجبور شد شخصاً برای عیادت امام بیاید و به این تظاهر کند که ما از جریان مسموم بودن امام بی‌خبر هستیم. اینها علی‌رغم اینکه مأموران‌شان را در زندان تشویق به آزار امام می‌کردند اما رفتار به ظاهر احترام‌آمیزی را هم سعی می‌کردند با امام داشته باشند؛ ولی امام با رفتارهایی که با شیعیان داشتند سعی در خنثی‌سازی این رفتارها داشتند.

حضور امام در عرصه علمی جامعه

وی با اشاره به حضور امام در عرصه علمی جامعه، اظهار کرد: آن دوره، دوره‌ای بوده است که گروه‌هایی مثل واقفیه، غلات و مثل برخی از جریان‌های فلسفی و فکری تحت تأثیر جامعه یونان حاصل از نهضت ترجمه به‌وجود آمده بودند. برخی از جریان‌های فکری زناده که خدا را باور نداشتند، منکر خدا بودند و تمام اینها را امام یا خودشان به شکل مستقیم توانستند با ارتباط گرفتن نقدشان کنند یا اینکه شاگردان ایشان این کار را انجام دادند. ما می‌بینیم که از شاگردان ایشان کتاب‌های متعددی رجال نجاشی نقل کرده و یا فهرست شیخ طوسی برای ما گزارش می‌کند، الرد علی زنداقه، یا کتاب الرد الواقفیه یا کتاب الرد علی الغلات توسط شاگردان ایشان نوشته شد که این هم نشان‌دهنده نفوذ علمی است، البته از طریق شاگردان ایشان.

رئیس مرکز تخصصی علوم حدیث حوزه علمیه قم گفت: به هر حال نحوه تعامل امام در سخت‌ترین شرایطی که این شرایط می‌تواند به ظاهر نشان‌دهنده بن‌بستی باشد که امکان هیچ اقدامی برای امام نیست، مهم است. امام در همان شرایط با راه‌های مختلف، از طرق محبت‌آمیز، از طرق مالی و از طرق استفاده کردن از اصحاب تربیت‌شده توانستند رهبری جامعه را حفظ بکنند. در آن دوره ما می‌بینیم که امام حمایت‌های مالی بیش از حد و بیش از ائمه دیگر ما نسبت به شیعیان دارند. شیعیان می‌دانستند در گرفتاری‌های مالی، امام یا اصحاب و وکلای ایشان می‌توانند کمک حالشان باشند، این خودش نکته بسیار مهمی است.

وی افزود: شیعیان خودشان را تحت حمایت‌های مالی امام می‌دانستند و توسط یاران امام به شیعیان موارد مالی رسانده می‌شده است. در آن دوره ما می‌بینیم که امام به کرات با علم غیبت‌شان سعی می‌کنند که جامعه را متوجه کنند که علمی که در نزد این خاندان قرار دارد به مراتب متفاوت است با هر نوع علمی که در نزد سایرین قرار دارد. این نحوه ارتباط با امام زمینه‌ای شد برای اینکه جامعه آماده شود برای امام غایبی که دسترسی به او به‌صورت مستقیم مقدور شیعیان نیست؛ لذا باز می‌توانیم بگوییم در عین اینکه امام حسن عسکری(ع) جامعه شیعه را به یک ثبات و استحکام اعتقادی، اداری و تشکیلاتی رسانید، در عین حال جامعه را آماده ورود به دوره غیبت و عصر امام زمان(عج) کردند که شیعه بداند نحوه ارتباط در سخت‌ترین شرایط با امام غیرحاضر چگونه است و ان‌شاءالله که از پیروان راستین امام حسن عسکری(ع) باشیم.

عباسی در پاسخ به این سؤال که بارگاه امام عسکری(ع) در حال حاضر تقریباً برای شیعیان دور از دسترس است، چگونه می‌توان در مورد این امام و شناخت ایشان کار کرد تا حق امام ادا شود؟ گفت: آنچه که شایسته و بایسته است این است که حتی‌المقدور بر مزار و بارگاه شریف این ائمه(ع) حاضر شویم. اما خود بارگاه شریف این ائمه در واقع یک چراغ هدایت برای ما است. یک نماد است، وسیله‌ای است که ما در پرتوی نور هدایت آن امام قرار بگیریم. الان که حضور در بارگاه ایشان مقدور نیست و ان‌شاءالله مقدور ما شود و آرزوی ما نیز این است و در این راه باید هر تلاشی داشته باشیم تا بتوانیم بارگاه ملکوتی

این امام را بتوانیم به شکل مستقیم از آن بهره‌مند شویم ولی این به معنی این نیست که خودمان را در پرتوی تابش نور هدایت این امام قرار ندهیم. قطعاً توسل به نظر این امام بزرگوار و شناختن سیره‌های فردی و اجتماعی این امام چه در کنار مزار ایشان و چه از راه دور لازم است؛ لذا توسل به ایشان، عزاداری برای آن حضرت، مطالعه کردن در مورد این شخصیت بزرگوار، مأنوس بودن با احادیثی که حضرت صادر فرموده می‌تواند ما را به همان نتیجه برساند. نتیجه مهم است، شناختن امام و رسیدن از گذر این شناخت به معرفت خود خداوند، این نتیجه مهم است و بدانیم که دستیابی به آن با تلاش بیشتر امکان‌پذیر است.